



احمد رضا حبیبی بآبادی

## عبور از دوران «تقریباً هیچ»

اخیر دقیقاً برعکس، منجر به خنثی شدن اثر خوب بستن بودجه شده و فشار را بر تیم مذاکره‌کننده افزایش داده است که به هر قیمت توافق کنند. گویی برخی مدیران اقتصادی فراموش کرده‌اند که شرایط عوض شده است و تیم مذاکره‌کننده الان مدافع منافع ملی است و نه تأمین‌کننده منافع حزبی. در این شرایط همه نهادهای دولتی و غیردولتی باید به‌جای اعلام کردن هزینه‌های ناشی از تحریم همه توان خود را در جهت رفع تحریم بسیج کرده و این توان را به تیم مذاکره‌کننده ارسال کنند تا با دست پر در مقابل شش کشور دیگر حاضر شود و نه اینکه شرایط را چنان حساس کنند که تیم مذاکره‌کننده به هر قیمتی دست به یک توافق بزند. ما از دوران گذشته عبور کردیم و عزت و منافعمان را با «تقریباً هیچ» قمار نمی‌کنیم. مطالبه ما از دولت ایجاد شرایط ثبات در کشور است تا این پالس را به تیم مذاکره‌کننده بدهد که اوضاع کشور خوب است و با یک توافق خوب قرار است بهتر شود و به‌طرف مقابل بگوید که ابزار تحریم بی‌اثر است و برگ برنده‌ای در مقابل ما ندارد. این شرایط قدرت چانه‌زنی ما را افزایش داده و شرایط مطلوب را برای ما ایجاد می‌کند. تیم مذاکره‌کننده به پشتوانه یک دولت مقتدر و اتحاد ۸۵ میلیون ایرانی نیاز دارد تا بتواند منافع ملی ما را تأمین کند.

افزایش قیمت خودرو که همین چند هفته پیش لغو شده بود، مجدد اعمال می‌شود. این وضعیت آشفتگی که مرتبط با اقتدار دولت در عرصه مدیریت است اما بر دوش تیم مذاکره‌کننده‌ای بار می‌شود. تحمیل این مشکلات بر تیم مذاکره‌کننده و فشارهای درونی دولت اصلی‌ترین مشکل تیم مذاکره‌کننده ایرانی است. تشتت ترکیب اقتصادی دولت توانایی کنترل بازار معیشت

ما از دوران گذشته عبور کردیم و عزت و منافعمان را با «تقریباً هیچ» قمار نمی‌کنیم؛ مطالبه ما از دولت ایجاد شرایط ثبات در کشور است تا این پالس را به تیم مذاکره‌کننده بدهد که اوضاع کشور خوب است و با یک توافق خوب قرار است بهتر شود و به‌طرف مقابل بگوید که ابزار تحریم بی‌اثر است و برگ برنده‌ای در مقابل ما ندارد.

مردم را نداشته و عدم وجود ایده حکمرانی در دولت باعث ازهم‌گسیختگی اوضاع شده است. در این میان اما سرریز این مشکلات به سمت تیم مذاکره‌کننده است. گویی تیم مذاکره‌کننده مسئول وضعیت اقتصادی کشور است و همه کشور مانند دولت قبل بسته به امضای یک قرارداد است. دولت پیش‌ازین اعلام کرده بود که کشور را معطل مذاکره نمی‌کند و لایحه بودجه را بدون کسری و در شرایط تحریمی بسته است که این کمک بزرگی به مذاکره‌کنندگان ما بود؛ اما وضعیت کنونی و نوسان اقتصادی چندروزه

به این تجربه رسیده است که توافق نکردن بهتر از یک توافق بد است و وظیفه تیم مذاکره‌کننده، ادامه مذاکرات تا حفظ منافع ملی است. همان چیزی که علی باقری، مسئول مذاکرات، در جواب طرف غربی که از عدم تطبیق پیش‌نویس مطرح شده از سمت ایران با انتظارات آنان بیان کرد و گفت «این پیش‌نویس جهت حفظ منافع ملی ماست نه برآوردن انتظارات شما»

با ورود تیم مذاکره‌کننده به هتل کوپورگ، شمشیرهای رسانه‌ای نیز تیز شده تا پشتوانه اجتماعی تیم را خدشه‌دار کند. هرچند وجود فشار رسانه‌ای در مذاکراتی با این سطح حساسیت اجتناب‌ناپذیر است اما این رسانه‌ها به‌سرعت هر اتفاقی را پوشش داده و با ارائه تحلیل‌های درست و غلط سعی در ایجاد اشتباه محاسباتی در تیم مذاکره‌کننده دارند. در کنار چنین جو رسانه‌های سنگینی، بازار نیز دچار نوسانات بی‌پایه و اساس می‌شود. دلار به طور ناگهانی در حدود ۴ هزار تومان گران می‌شود و تصمیم

داستان مذاکره داستان امروز و دیروز نیست. داستان یک‌عمر چانه‌زنی برحق است که مردم ایران یک‌صدا فریاد آن را زدند. داستان حق مسلم ماست. مذاکرات هسته‌ای ایران یکی از مسائلی است که برای همه اقشار مردم، از غنی تا فقیر، از سیاسی تا غیرسیاسی و حتی از انقلابی تا غیرانقلابی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در هر دوره‌ای که تیم مذاکره‌کنندگان ایرانی به پایتخت‌های جهان می‌رفتند تا با شش قدرت جهانی بر سر یک میز بنشینند، نتهنها تیت‌ریک اخبار که بحث اصلی همه مردم می‌شدند. در دوره جدید مذاکرات اما شرایط تغییر کرده است. تیم جدید علاوه بر دو دهه تجربه‌ی مذاکره، شرایطی را دارد که هیچ تیم مذاکره‌کننده دیگری نداشته است؛ یک تجربه ناموفق؛ تجربه‌ای که در اذهان عموم خاطره‌بد از یک توافق بد را بر جا گذاشته و عبرتی شده است که صرفاً بستن قرارداد، مطلوب ما نیست. اساساً موفقیت تیم را نه بستن قرارداد که یک مذاکره خوب در جهت حفظ منافع ملی تا تأمین همه آن‌ها در یک قرارداد محکم تعیین می‌کند. مطالبه درست از تیم مذاکره‌کننده، مطالبه صرفاً یک قرارداد نیست بلکه حفظ منافع در مقابل زیاده‌خواهی طرف دیگر است. این ملت یک‌بار هزینه یک توافق بد را داده است و

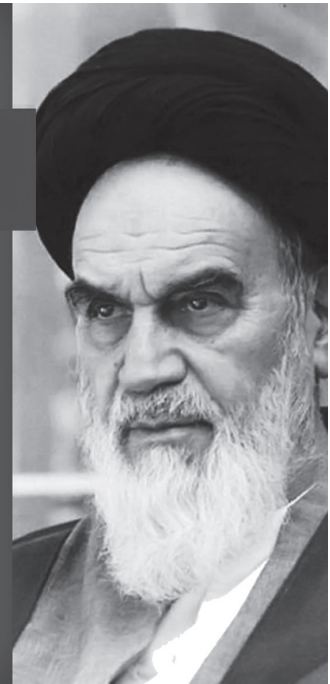


## ۹۹ امام خمینی

## تکلیف ائمه جمعه و تکلیف مردم

امروز که این اختناق برداشته شده است باید ائمه جماعات و ائمه جمعاعات همه شان توجه کنند به اینکه تکلیفشان این است که مسائل را به ملت بگویند. توجه بدهند مردم را به مسائل سیاسی، به مسائل اجتماعی، خصوصاً، ائمه جمعه که بحمد الله امروز در سرتاسر کشور جمعه‌ها بسیار خوب است و مردم هم باید بیشتر باز توجه کنند. مردم خودشان را غنی ندانند راجع به مسائل. این مسائل، مسائلی است که باید بروند و گوش کنند و عمل کنند.

صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۴۱۶



علیرضا کاظم‌پور



## «کرسنت» آتشی بر جان بیت‌المال

قرارداد کرسنت در سال ۱۳۸۱ و در زمان بیژن نامدار زنگنه در دولت هفتم، بین شرکت کرسنت پترولیوم و شرکت ملی نفت ایران به مدت ۲۵ سال منعقد گردید که به دو بخش ۷ ساله و ۱۸ ساله تقسیم می‌شود. در بخش اول قرارداد، ایران موظف بود روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب را با قیمت ثابت معادل ۱۸ دلار به شرکت کرسنت بفروشد. در بخش دوم قرارداد هم ایران ملزم به افزایش میزان صادرات گاز به ۸۰۰ میلیون فوت مکعب و به قیمت ثابت ۳۸ دلار به شرکت کرسنت بود. زمانی وزارت نفت ایران به این قرارداد تن داد که شرکت کرسنت، وضعیت مالی چندان مناسبی نداشت و در مواردی در عراق، مصر و سایر کشورها قراردادهایی را منعقد می‌کردند که در نهایت منجر به فساد و شکایت در دادگاه‌ها می‌شد، تا از این طریق به منفعت برسد. و جای سوال است که چرا در دولت هفتم زیر نظر آقای زنگنه با این شرکت با وجود چنین سابقه‌ای قرارداد منعقد می‌شود. در همان مقطع زمانی که قرارداد کرسنت با آن قیمت‌های اسفبار بسته شد، قرارداد فروش گاز ایران به ترکیه با قیمتی ۵ برابر قیمت گاز کرسنت منعقد شده بود. همچنین قیمت فروش گاز روسیه به اروپا ۱۴ برابر قیمت گاز ایران در قرارداد کرسنت بود. در همان بازه زمانی انعقاد قرارداد، شرکت کرسنت یک قرارداد گازی به نام دلفین با قیمت پایه نفت معادل ۶۳ دلار با امارات منعقد می‌کند و این عمق فاجعه را بیشتر از پیش نمایان می‌کند. حال آقایان وزارت نفت برای توجیه این مسئله معتقدند که این عدد قیمت نفت برای آن برهه زمانی مناسب بوده است و بعداً قیمت جهانی نفت افزایش پیدا کرده

و دهم در دادگاه لاهه، اسناد خود درباره بروز فساد را ارائه می‌دهد و تا آستانه اثبات حرف خود نیز پیش می‌رود، حتی پرونده قضایی نیز برای خود آقای زنگنه در قوه قضاییه تشکیل می‌شود و وزیر سابق نفت نیز چندین بار به دادگاه فراخوانده می‌شود که با روی کار آمدن دولت یازدهم و ریاست بیژن نامدار زنگنه بر مسند وزارت نفت و انتخاب همان تیم سابق که قرارداد را تشکیل داده بودند، بازی این پرونده به ضرر ایران تمام می‌شود. قراردادن ننگین کرسنت همچون ترکمانچای دوم، هنوز هم سایه آتش خود را از بیت‌المال مسلمین بر نداشته و مفادی دارد که آئینه تمام و کمال رسوایی آن است. خسارت‌های چند میلیاردی در پرونده‌های کرسنت، ترکمنستان و ترکیه، حکایت از آن دارد که اشخاصی هستند که هنوز هم که هنوز است، هزینه اینگونه بازی با بیت‌المال مسلمین را نچشیده اند و این قاعده اگر بن‌بستی نداشته باشد، قطعاً ادامه خواهد داشت!



حسین عزیزی

## احیای صدای عدالت

همواره در طول تاریخ زمانی که عده‌ای برای تحقق عدالت و مبارزه با فساد قیام می‌کنند، گروهی در مقابل آن‌ها می‌ایستند و در تلاش برای خفه کردن صدای عدالت‌خواهی‌اند. یکی از این مصادیق، اتفاقی است که در امیدیه اهواز رخ داده است. عده‌ای عدالت‌خواه با همت خودشان توانستند در شورای شهر آن منطقه رأی مردم را کسب و پرچم عدالت و مبارزه با فساد را علم کنند. همین امر سبب شد افراد حقیقی و حقوقی که به دنبال رانت و فساد و لابی برای رسیدن به منافع شخصی خودشان بودند، علیه این گروه عدالت‌خواه شروع به پرونده‌سازی کنند و اتهاماتی را به این جوانان بزنند. از بین پرونده‌سازی‌های موجود یک پرونده در دادگاه به دلیل نشر اکاذیب حکم گرفته و برای ایشان حبس صادر شده است. جالب ماجرا اینجاست که آن کسی که از ایشان (آقای آقاجری) شکایت کرده یکی از مسئولین قضایی وقت شهرستان امیدیه و همان کسی است که گفته می‌شود به طور ناروا و غیرقانونی مطالبه زمین داشته است. اما بعد از اینکه جوانان انقلابی در مقابل این خواسته می‌ایستند و مردم را از فسادهایی که در منطقه رخ می‌دهد آگاه می‌کنند (بدون اینکه اسم شخصی ذکر بشود و اتهامی زده شود) مفسدین از او به خلاف واقع شکایت می‌کنند و به دنبال انتقام‌گیری می‌روند. حال سوال این جاست که چرا ریاست قوه قضاییه بعد از آنکه یک بار پرونده برای بررسی در دادگاه بی‌طرف به تهران ارجاع داده شد، مجدد آن را به محل دعوا برگرداندند؟ سوال این جاست که چرا کسی دادستان فعلی امیدیه را که با وجود اطلاع از عدم حضور آقای آقاجری در استان محل زندگی خود، حکم ورود به منزل ایشان را می‌دهد مورد بررسی و بازخواست قرار نمی‌دهد؟ آیا این کار موجب اضطراب و نگرانی برای اهالی منزل نمی‌شود؟ آیا این نحوه اجازه ورود به منزل جرم نیست؟ در این ماجرا پرواضح است عده‌ای با استفاده از قدرت و جایگاه شغلی خود به دنبال تضعیف جریان عدالت خواهی در شهرستان امیدیه هستند. به همین دلیل ریاست قوه قضاییه، آقای محسنی اژه‌ای، باید سریعاً به این موضوع ورود کرده و دستگاه قضا را از وجود قانون‌دان‌های قانون شکن و مفسد پاک کند و اقداماتی انجام دهد که صدای عدالت و عدالت‌خواهی بلندترین صداها باشد.



دولتی دست به چنین عمل غیر مسئولانه‌ای زده است که با شعارهای بلند عدالت آن هم نه عدالت نمایشی بلکه عدالت قابل لمس برای مردم سرکار آمده است! اما خب انگار هیچ خبری از واکنش سفت و سخت نبود هیچ، حتی آقایان به خود زحمت تکذیب خبر را هم ندادند به گونه‌ای که بعد از چندی این فکر به اذهان متبادر شد که چه بسا این خبر آن قدر دروغ بودنش بدیهی و محرز است که اساساً نیاز به تکذیب هم ندارد؛ اما کار به این جا ختم نشد و این بار صداوسیما می‌که گویا با مدیریت جدیدش قصد ایجاد تحول جدی در مثنی رسانه‌های نظام را دارد، در یک برنامه طنز به صریح‌ترین شکل ممکن این خبر را مطرح ساخت و ریزترین ابعاد آن را روی دایره ریخت. با این مانور علنی صداوسیما، دیگر جای هیچ شک و شبهه‌ای در میان نماند و دیگر همه منتظر بودند تا دست کم تار صوتی یکی از مسئولین بالا دستی دولت بنجند و این عمل کاملاً پارادوکسیکال وزیر ورزش در قبال مرام نامه دولت را محکوم کند اما باز هم خبری نشد. این سکوت زمانی بیش‌تر توی ذوق می‌زند که آن را در جوار کیلومترهایی که رئیس‌جمهور در چند ماه اخیر از این نقطه به آن نقطه‌ی کشور سفر کرد و در خلال آن از نزدیک و چشم در چشم مردم، حرف دل ایشان را شنید و به ایشان وعده تغییر داد، قرار دهیم. آن زمان است که تناقض حاکم میان این سکوت و صحنه‌های حاکی از دل‌سوزی اهالی پاستور در قبال وضعیت قشر ضعیف، طنز تلخی را به بار می‌آورد چرا که آدم نمی‌داند، حرف‌های قشنگ و گفت‌وگو چهره به چهره رئیس‌جمهور با قشر ضعیف را باور کند یا سکوت او در قبال وزیرری که دست در جیب همین مردم کرد و پولی را که به رونق کسب و کارهای کوچک قشر ضعیف اختصاص داشت را در یک لقمه چرب به دهان گشادی گذاشت که با چند واسطه سوری، صاحب اصلی این دهان گشاد، کسی نیست جز همین دولت و دست اندرکارانش! و اما بدتر از عدم واکنش رئیس‌جمهور و اطرافیان خوش‌سخنش در راست دولت، سکوت تلخ مجلس انقلابی نیز در ذوق جامعه زد چرا که مجلس به اصطلاح انقلابی بر خلاف نظارتش بر عملکرد دولت قبلی که در آن مورا از لای ماست بیرون می‌کشید، در قبال چنین حرکت غیرمسئولانه آشکاری از جانب یکی از اهالی دولت جدید، سرش را در زیر برف غفلت فرو برد و تاکنون تصمیمش بر آن بوده که از خنکای برف غفلت لذت ببرد! در نهایت امر باید صبر کرد و دید این سکوت شوم و این سرفرو بردن آقایان در برف خوش‌خیالی و غفلت تا کجا می‌خواهد ادامه داشته باشد؟ آیا این وسط واکنشی هر چند دیر ولی موثر از مدعیان انقلابی‌گری در پاستور یا مجلس، سر خواهد زد که این اعتماد در حال هدر رفت مردم را به خزانه‌ی ملی بازگرداند یا این سکوت شوم همچنان ادامه دار خواهد بود؟!



محمدحسین شیرخدايي

## سرزیر برف!

تقریباً یک ماه پیش بود که سرپرست باشگاه پرسپولیس با سینه‌ای ستبر خبر از تهیه طلب کالدرون، سرمربی سابق پرسپولیس داد و به زعم خودش از یک فتح‌الفتوح در سیستم مدیریت ورزشی و باشگاه داری دولتی پرده برداشت؛ وقتی از وی پرسیده شد که از چه منابعی توانسته این پول را تهیه کند، وی پاسخ داد که این پول را از یک سری دوستان نزدیکش به قرض گرفته و آن را از محل اعتبار پرسپولیس در آسیا، بازپس خواهد داد. همه چیز داشت بی‌سر و صدا و به خوبی و خوشی می‌گذشت که ناگهان خبری به بیرون درز کرد که از قضا «دوست نزدیک» آقای صدری که چنین پولی را به وی قرض داده، نه دوست سرمایه‌دار وی در اپراتورهای تلفن همراه بلکه خود آقای سجادی، وزیر ورزش و جوانان بوده و مهم‌تر این که آقای سجادی نه از خزانه وزارتخانه ورزش و جوانان بلکه از طریق نفوذی که در صندوق کارآفرینی امید داشته است، این اعتبار را برای باشگاه پرسپولیس فراهم نموده تا بتواند در قالب حساب قرض‌الحسنه، بیست و دو میلیارد تومان از این صندوق وام بگیرد! شاید اگر این وام از طریق یک بانک خصوصی به باشگاه پرسپولیس داده شد بود، ابهام خاصی دست‌کم برای مخاطبان عام این خبر باقی نمی‌گذاشت و مردم و ژورنالیست‌های ورزشی خیلی ساده و به عادت آنچه از رفت‌وآمد این مبالغ هنگفت و بی‌حساب و کتاب در دو باشگاه بزرگ پایتخت، سراغ داشتند به سادگی از کنار آن عبور می‌کردند اما... اما این بار گویی داستان بر منوال همیشگی نبوده و علف خرسی که به حساب باشگاه پرسپولیس واریز شده نه از کانال یک بانک یا کارگزار خصوصی بلکه از طریق صندوقی بوده است که هدف از تاسیس آن اختصاص وام و اعتبارات مالی به کسب و کارهای کوچک در مناطق محروم است و ماجرا وقتی جالب‌تر می‌شود که کاشف به عمل بیاید، آقای وزیر از جهت حضور نام‌شان در لیست هیئت امنای صندوق، دست‌شان را تا آرنج در صندوق کرده‌اند و همان یک قران دو زاری را هم که مایه امیدسازی واقعی در جامعه است را بدون حساب و کتاب به جیب باشگاه ورشکسته و از هم پاشیده پایتخت ریخته‌اند! کنار هم گذاشتن همه این شواهد به نظر کافی می‌رسید تا نهادهای نظارتی دولت و اهالی مجلس انقلابی، از روی صندلی‌های خود برخیزند و در حالی که این خبر علنی گشته به صورت جدی و ضربتی نسبت به آن واکنش نشان دهند، خصوصاً این که وزیر محترم در دل

# «انقلاب» در عالی‌ترین شورای فرهنگی

جلسه‌های را تصور کنید به ریاست رئیس دولت و با حضور سران سایر قوا، شش تن از وزیران، ریاست برخی کمیسیون‌های مجلس، ریاست سازمان‌های صدا و سیما، تبلیغات اسلامی، برنامه و بودجه، فرهنگ و ارتباطات اسلامی و همچنین برخی اساتید مطرح دانشگاهی و شخصیت‌های علمی. همه این شخصیت‌ها که هر کدام وزنه‌های محسوب می‌شوند، گرد یک میز نشسته‌اند. چه مسئله‌ای دارای چنین اهمیت و گستردگی است که نیاز به حضور همه این اشخاص کنار هم دارد؟ احتمالا درست حدس زده‌اید؛ فرهنگ! سال ۱۳۵۹، در شرایطی که دانشگاه از فضای علمی خود فاصله گرفته و محل نزاع ایدئولوژی‌ها شده بود، اساتید غرب‌گرا نقش مهمی در تخریب ایدئولوژی غرب به نخبگان و دانشجویان این کشور داشتند. حضرت امام در یک ابتکار جالب دستور به تشکیل ستادی تحت عنوان «ستاد انقلاب فرهنگی» دادند. مأموریت ویژه این ستاد، «ختم‌شوی گذاری فرهنگی آینده دانشگاه» و «انتخاب و تربیت اساتید متعهد و آگاه» مبتنی بر گفتمان آموزشی انقلاب اسلامی بود. ۴ سال بعد این ستاد به دستور امام، تبدیل به «شورای عالی» شد، تا مأموریت ویژه خود را از سطح دانشگاه به کل جامعه توسعه دهد. بدین‌صورت، علاوه بر «مهندسی فرهنگی دانشگاه»، «مهندسی فرهنگ عمومی» نیز در دستور کار شورا قرار گرفت. از آن تاریخ تا امروز، این شورای عالی، مأموریت خود را در همین دو محور دنبال می‌کند. اما این شورا از تشکیل تا امروز، چه مقدار در این دو محور موفق بوده است؟ ابتدا نگاهی به نتیجه تلاش‌های این شورای حدوداً چهار نقره بیندازیم. در حوزه مهندسی فرهنگ عمومی که نیاز به شرح وضعیت موجود نیست. کافی است کمی در فضای جامعه تنفس کرده باشید؛ چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است! اما در حوزه مهندسی فرهنگی دانشگاه، شورا دستاوردهایی در زمینه پالایش اساتید، کتب درسی و... داشته است. اگرچه با نگاهی به وضعیت امروز دانشگاه‌های کشور، در این مأموریت نیز، عملکرد شورا خیلی قابل دفاع نیست. سوال اصلی اینجاست؛ چرا این شورای بالادستی با این درجه اهمیت، اینچنین در نتایج ضعیف بوده است؟ مشکل از مصوبات بوده است یا اجرای مصوبات؟ برای پاسخ به این سوال باید به روش کار شورا بپردازیم. هر مصوبه‌ای که در این شورا به تصویب می‌رسد، به طور خلاصه این مراحل را طی می‌کند: (۱) پیشنهاد دستور

و این حرفه‌های قانونی، منجر به عدم اجرای صحیح مصوبات شورا می‌شود. اشکال چهارم در نظارت بر اجرا و اثرسنجی مصوبات است. مصوبات شورا پس از ابلاغ چه می‌شود؟ همانطور که عرض شد، ضمانت اجرایی خاصی در قانون برای پیگیری اجرای مصوبات پیش‌بینی نشده است. اما خود شورا نیز اطلاع دقیق و شفافی از عملکرد دستگاه‌ها در اجرای مصوبات ندارد. اگر اهتمام ویژه‌ای به بازرسی و دنبال کردن مصوبات نباشد و به گزارشات خود دستگاه‌ها اکتفا شود، بدیهی است که تضمینی برای تبعیت دستگاه‌ها وجود نخواهد داشت؛ حتی اگر در رأس آن دستگاه، یکی از اعضای اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد! اما با فرض عملکرد صحیح دستگاه‌ها باز هم شورا نیازمند تحقیقات دقیق میدانی است، تا میزان تاثیر مصوبات قبلی را در فرهنگ عمومی پایش کند. این پژوهش‌ها، علاوه بر نشان دادن میزان موفقیت شورا، راهنمای خوبی برای ارتقاء کیفیت مصوبات بعدی خواهد بود. اشکال پنجم، عدم ارتباط شورا با موسسات فرهنگی مردم نهاد است. موسسات فرهنگی مردم‌نهاد از هیئات گرفته تا کانون‌های فرهنگی، یکی از بازیگران اصلی میدان فرهنگ عمومی هستند. این موسسات به اقتضای مردمی بودن ذات فرهنگ، توان تاثیر فرهنگی از برخی سازمان‌ها دارند. اما در شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسیری برای ارتباط مستقیم با این قرارگاه‌های فرهنگی مردم‌نهاد تعریف نشده است و این مسئله نیز به عنوان یک ضعف جدی و اثرگذار به چشم می‌آید. موارد مطرح شده، تنها بخشی از انتقادات وارد به شورا است که به عنوان نمونه در این یادداشت عنوان گردید. اما برای حل این مسائل به صورت فهرست‌وار موارد

زیر را پیشنهاد می‌کنیم: (۱) تغییر رویکرد دبیرخانه در انتخاب دستورجلسات و پرهیز از پرداختن به موضوعات ذهنی، کم‌اهمیت و غیرکاربردی (۲) پردازش دقیق مسئله در دبیرخانه و مشخص کردن محل بحث برای پرهیز از طرح مباحث حاشیه‌ای در جلسه شورا (۳) تشکیل کارگروه‌های تخصصی برای پردازش موضوعی مسائل (۴) اولویت دادن به صحبت اعضای متخصص در موضوع دستور جلسه (۵) رفع حرفه‌های قانونی، تعریف ضمانت اجرایی برای مصوبات شورا در قانون و مشخص شدن نسبت شورا با سایر دستگاه‌ها (۶) تشکیل تیم نظارتی و اهتمام ویژه به دنبال کردن اجرای مصوبات در دستگاه‌ها (۷) اثرسنجی میدانی نتایج مصوبات در فرهنگ عمومی جامعه در کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت (۸) ایجاد ارتباط پیوسته و بی‌واسطه با قرارگاه‌های فرهنگی مردم‌نهاد با حضور افراد موثر این موسسات در جلسات کارگروه‌های شورا آنچه بیان شد، اعم از بیان عملکرد، ایرادات و پیشنهادات، همه و همه مطالبه‌ای در راستای «تحول» شورای عالی انقلاب فرهنگی است. شورایی که بنا بود انقلاب فرهنگی به پا کند، در دوره جدید، نیازمند انقلابی در درون خود است. ۲۳ آبان ماه ۱۴۰۰ رهبر معظم انقلاب، در حکمی اعضای جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی را برای یک دوره چهارساله، منتصب کردند. «نگاهی نو، آسیب‌شناسانه و روزآمد ساز» اصلی‌ترین مطالبه تمام دغدغه‌مندان فرهنگ این مرز و بوم و در صدر آن‌ها رهبر معظم انقلاب از اعضای جدید است. امیدواریم اعضای جدید، فرصت طلایی «حکمرانی این دولت دغدغه‌مند را غنیمت شمرده و خود را محضر دادگاه الهی مسئول دیده و فراموش نکنند که بالای دست آن‌ها نیز، دستی قرار دارد!

## فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

شناسنامه فتح ۲۱۵

مدیرمسئول: علی راستی  
سرمدبین: علی حکیمی  
دبیرهیئت تحریریه: محمد بوالحق  
جانشین مدیرمسئول: پوریا عصار  
جانشین سردبیین: محمد مهدی محمدزاده  
مسئول فضای مجازی: احمدرضا حبیبی

### دبیرکارگروه‌ها

دبیر فرهنگی: مهدی مولی داد  
دبیر تاریخی: ابوالفضل کشتکار  
دبیر سیاسی: محمدجواد مولوی  
دبیر حقوقی: محمد رضائی جوزانی

### درگاه‌های ارتباطی فتح

FathISU\_IR



FathISU\_IR

صفحه اینستاگرام

BasijISU.ir

### نسخه دیجیتال فتح را

با اسکن این کد دریافت

